

دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۹۷ • ۹

شرق روزنامه

هنر

نویسنده قهرمان های شکست خورده

صفحه ۱۰

بهاء طاهر به روایت خودش

صفحه ۱۰

نگاهی به گذشته و تصویری از آینده

صفحه ۱۲

گل پونه‌ها

حجره کویر



مجد حسین خانی شاکرد زنده‌یاد بسطامی

هنگامی که برای اولین بار صدای استاد ایرج بسطامی را در رادیو شنیدم خیلی کم‌سن‌وسال بودم، مثل تمام بچه‌های هم‌نسل‌م به موسیقی و آواز علاقه داشتم. یادم می‌آید که آوازی با این دوبیتی که «دو‌نم لوت و عریونم که کرده/ خودم جلا‌د و بی‌چونم که کرده / بده خنجر که تا سینه کنم چاک/ ببینم عشق با جونم چه کرده» بارها از رادیوی آن زمان شنیدم و همیشه دلم می‌خواست با این خواننده از نزدیک آشنا شوم. آنگاه از دوستان و آشنایان پرسیدم و متوجه شدم که نامش ایرج بسطامی است و اهل بم؛ خیلی خوشحال و پر انرژی پیگیری بودم که ایشان را زیارت و از محضرشان استفاده کنم. ایرج بسطامی آثار بسیار خوبی با آهنگسازی استاد پرویز مشکاتیان به یادگار گذاشته. افشاری مرکب، مزده بهار، فقر مهن، وطن من و آثار



دیگری هم که با آهنگسازان دیگر منتشر کرد مثل «بوی نوروز» که هرکدشان در نوع خودشان بی‌تغیر بودند. پس از روزها و شب‌های زیادی که با این آثار زندگی می‌کردم، سر‌آخر توانستم با کمک دونفر از دوستانم -استاد مودب و حامد حسین‌خانی، خوشاوندم- به نزد استاد بسطامی بروم و با ایشان آشنا شوم. از همان برخورد اول متوجه شدم که چقدر خجالتی، مهربان و باشخصیت هستند. خوشحال بودم که چنین آدم تاثیرگذاری در زندگی من وجود دارد. از آن پس رفاقت عمیقی بینمان اتفاق افتاد؛ همیشه مثل پدر و فرزند بودیم. او خیلی به من و دیگر بچه‌های همشهری که به کلاسش می‌آمدند عشق می‌ورزید و ما هم به‌راستی عاشقش بودیم. سال‌ها می‌گذشت و با آثار جدیدش من جان تازه‌ای می‌داد. خیلی آدم تنهایی بود؛ همیشه درون خودش بود و با خلوت و تنهایی‌اش روزها و هفته‌هایش سپری می‌شد؛ شبیه هیچ‌کس جز خود نبود. او اهل این دوران پر از رنگ و ریا نبود، او متعلق به شاید ۳۰۰سال پیش بود، زیرا سادگی و تمام خصوصیاتی که داشت؛ آدم را به این نکته‌سنجی وامی‌داشت که او چگونه می‌تواند با این روحیات و با این آدم‌هایی که مغیر از خودشان به هیچ‌کس دیگری فکر نمی‌کنند، زندگی کند؟ بسطامی انسان بسیار بزرگی بود. هنوز هم پس از ۱۱سال از پروازش گاهی خیلی چیزها را از او یاد می‌گیرم! در زندگی شخصی‌اش خیلی متفاوت بود، عاشق خانواده‌اش بود، به‌ویژه فرزندان برادرش که سرپرستی آنها را برعهده داشت. با اینکه عده‌ای معذود فقط از نام او استفاده می‌کردند و برای خودشان دفتر و دستکی به هم زده بودند، او هیچ‌وقت از نام خودش سوءاستفاده نکرد. خیلی دوست داشت که من و بچه‌هایی که پیش‌اش آواز کار می‌کردیم، به شیوه او بخوانیم. یادم هست روزی او را خیلی خوشحال دیدم. پرسیدم: استاد اتفاقی افتاده؟ گفت: «به‌تازگی با یکی از بزرگ‌ترین استادان موسیقی دیدار کردم که همیشه آرزو داشتم برایشم تار بنوازد و من با او آواز بخوانم. با او آواز مفصلی خوانده‌ام، او کسی نبود جز استاد جلیل شهنار. هنگامی که آوازی در دستگاه سه‌گاه با استاد خوانده بود ایشان فرموده بود که چه صدای گرم و گیرایی داری و اینکه سعی کن این شیوه را به نام مکتب آوازی کرمان به ثبت برسانی …..» خیلی از این بابت خوشحال بود. همیشه آلبوم سکوت را یکی از بهترین آثارش می‌دانست. افسوس که چند سال بعد برای همیشه از میانمان رفت. او خیلی کارهایش را نیمه‌تمام گذاشت و هنگامی که آخرین آلبومش منتشر شد، برای دیدار به بم رفتم و درباره کارش بسیار صحبت کردیم. انگار خوش می‌دانست که این آخرین حضورش در عرصه موسیقی است. چنان آواز چهارگاهی خواند که من فکر می‌کنم تا سال‌ها کسی چهارگاه را به این قدرت و زیبایی نتواند. او چند عکس یادگاری به من داد که یکی را برایم پشت‌نویس کرد با همان خط زیبایش. برایم چنین نوشت: تقدیم به تو که پای‌بند به تعهدات ملی و میهنی هستی، دوستدار تو: ایرج بسطامی، همیشه در قلب منی و امضا! (یادش گرامی، روحش شاد)



بوی نوروز

پس از ۴سال

برپایی جشنواره

«ایرج بسطامی»

شرق: دومین دوره جایزه زنده‌یاد ایرج بسطامی پس از چهارسال وقفه، با تغییر نامش به «جشنواره» فعالیت خود را آغاز می‌کند.

بنیاد فرهنگی - هنری ایرج بسطامی در سال۱۳۸۹ نخستین دوره جشنواره موسیقی ایرج بسطامی را در رشته آواز سنتی ایرانی برای رده سنی جوانان ۱۸ تا ۲۸سال برگزار کرد. این جشنواره که با نام «جایزه سال ایرج بسطامی» برگزار می‌شد، با استقبال ۳۰۰ خواننده از ۲۳ شهر کشور مواجه شد که چنین استقبالی در نوع خود بی‌نظیر بود. با جمع‌بندی استانی، استان‌های تهران، فارس، کرمان، مازندران و اصفهان به‌ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را از لحاظ فراوانی شرکت‌کنندگان در این اتفاق مهم فرهنگی-هنری کسب کردند. داوران در مراحل اولیه و بعد از بررسی آثار با معیارهایی مانند وسعت و جنس صدا، تلفیق شعر و موسیقی، ریتم و اجرای تحریر، به ۱۲ خواننده مجوز راهیابی به مرحله دوم را دادند. هیات داوران دوره اول جایزه ایرج بسطامی ترکیبی از هنرمندان و صاحبزطرانی بود که طیفی مناسب برای بررسی تمام جوانب را تشکیل می‌دادند. هیات داوران در مرحله مقدماتی شامل معصومه مهرعلی، حسام‌الدین سراج و فاضل جمشیدی بود؛ مرحله نهایی به‌دلیل اهمیت و کیفیت آثار، هیات داوران کامل‌تری داشت. در این ترکیب، زنده‌یاد احمد ابراهیمی،



حسام‌الدین سراج، مظفر شفיעی و هنگامه اخوان حضور داشتند. اختتامیه آن مرحله نیز در تالار وحدت برگزار شد و سه‌نفر به‌عنوان برگزیدگان اول تا سوم، سه‌نفر شایسته تقدیر و یک‌نفر خواننده زن برای معرفی تقدیر از میان زنان شرکت‌کننده انتخاب شدند.

اما اسال جشنواره به سه بخش رقابتی آواز سنتی ایرانی زیر ۳۰سال، آواز سنتی ایرانی در گروه سنی آزاد و انتخاب آلبوم برتر سال اختصاصی دارد. حسام‌الدین سراج - خواننده - دبیر هنری این جشنواره، گفته است: برگزاری جشنواره بسطامی، یادی از هنرمند توانا، ایرج بسطامی است و در عین حال، فرصتی برای هنرمندان جوان محسوب می‌شود تا رقابتی آموزنده در راستای حفظ ردیف آوازی و تلاشی در راستای اشاعه آن داشته باشند. او با بیان اینکه آثاری که به دبیرخانه می‌رسند در سه مرحله دآوری خواهند شد، اضافه کرده: با وجود این سه مرحله، دآوری نیز عادلانه می‌شود و برای انتخاب آلبوم برتر سال هم آلمان‌های مختلفی در نظر گرفته خواهد شد که ملودی، کلام، تلفیق، اجرای ارکستر، تدوین و طراحی جلد از این موارد است.

در روزهای گذشته فراخوان جشنواره موسیقی ایرج بسطامی منتشر شده است و آیین اختتامیه آن در نیمه نخست اردیبهشت‌ماه سال۹۴ برگزار خواهد شد.



عکس: شرق

ایرج بسطامی به روایت صدیق تعریف

شبیه هیچ کس نمی خواند

هم به دوبیتی خوانی‌های زیبایش اشاره کردید، اگر بخواهیم خیلی مختصر و مفید صدای بسطامی را کالبدشکافی کنیم و منطقی گفته باشم می‌توان گفت: صدای او رنگ و بو و مختصات صدای کویر را داشت. این از خوشبختی‌های بسطامی بود که او را از دیگر هم‌نسلانش مجزا می‌کرد. به قول فرمایش شما این را تبدیل به یک ویژگی یا شاید همان رازی می‌کرد که به آن اشاره کردید. کودک معصوم درون بسطامی بسیار قوی و در صدایش هم کاملاً متجلی بود. اساسا انسان خوشبخت کسی است که تا واپسین دم حیات کودک درونش با او همراه باشد و کودکی‌اش را هیچ گاه در هیچ مرحله‌ای از زندگی از دست ندهد. **ک** علاوه بر همه عواملی که اشاره کردید به نظر می‌رسد ایرج بسطامی با وجود غریزه قدرتمند و صدای پرهیمه‌اش در زمینه شاگردی کردن و یادگیری هم اهتمام جدی داشت. او به صدای استثنایی خود به‌عنوان یک رانت نگاه نکرد که با اتکای به آن امر آموزش را نصفه‌ونیمه فروگذارد.

داوری شما در این‌باره چیست؟

اساسا به نظر من یکی از ویژگی‌ها و لوازم کار یک هنرمند- و نه‌تنها هنرمند بلکه در همه زمینه‌ها از جمله علوم - شاگردی و تلمذ است. این از لوازم اصلی رشدونمو هر رهرویی است. یک طبیب باید شاگردی کند، یک معلم باید شاگردی کرده باشد. اساسا راه‌ورسم توفیق همین است. بسطامی هم خوشبختانه جزو کسانی بود که تا آنجا که شنیدیم و می‌دانیم شاگردی کرده و گویا بیش از همه محضر آقای شجریان را درک کرده است. یکی دیگر از علت‌های توفیق بسطامی، شاگردی به شکل جدی و آکادمیک



عکس: شرق

چه لزوم به لرزاندن این درخت تنومند؟

به مرور کم‌رنگ شده است و از هنر هم چندان اثری دیده نمی‌شود، نمی‌دانم. ایرج، راه مردان هنرمندی چون استاد مشکاتیان را دنبال می‌کرد؛ مردانی که هم موسیقیدانند، هم حس موسیقایی دارند و هم صداقت هنر. بعضی‌وقت‌ها وقتی از همه آشوب‌ها و بی‌سوسامانی‌های موسیقی و رندی‌های نابجا و گستاخی‌ها خسته می‌شوم، دلم می‌خواهد به بزرگان پناه ببرم؛ ولی می‌بینم تنهایی و بغض بهتر است. موسیقی ابزار نیست، عشق است و حرف دل. ولی متأسفانه نه از عشق خبری هست و نه از حرف دل....

خطرم هست یک‌روز در استودیو در خدمت آقای بسطامی بودم تا مراحل ضبط یک آلبوم انجام شود. در آواز دشتی شروع به ساززدن کردم و ایرج بسطامی شروع به آوازخواندن کرد. آن روز برای حس‌وحال خودمان زدی‌م و لذت بردیم. وقتی از استودیو خارج می‌شدیم صدابردار گفت این آواز و جواب آواز را ضبط کرده است و چون به گفته استاد بسطامی حس‌وحال خوبی داشت به‌عنوان قسمتی از آواز دشتی آلبوم «ظهور» استفاده شد.

آیا اگر ایرج بسطامی امروز در میان ما بود با دیدن اوضاع آشفته موسیقی بیشتر رنج نمی‌برد. نمی‌دانم؟ شاید خداوند دلش برای این بنده خوش‌سیرت تنگ شده بود، که او را نزد خود برد. موسیقی بسطامی حال‌وهوای عجیبی

صدیق تعریف هنرمند شناخته شده و گزیده‌کار روزگار احتضار آوازی ماست. دوستدارانش، صدای مانا و پر حس و حالش را در آثاری چون فراق، شیدایی، شوردشت، آیینگه، ماه بانو و آثار دیگر او از جمله در سریال «امام علی(ع)» شنیده‌اند. مهتاب با آهنگسازی زنده‌یاد حسین یوسف‌زمانی و خیال‌انگیز با آهنگسازی مجید درخشانی آخرین آثار منتشر شده اوست. گفت‌وگوی پیش‌رو به بهانه پنجم دی، یازدهمین سال خاموشی ایرج بسطامی در فاجعه زلزله بم انجام گرفته است. صدیق تعریف به شدت از روند آوازی سال‌های اخیر گله‌مند است و ناامید از فضای نابسامان آواز. او بسطامی را از نادر آوازخوانان این روزگار می‌داند.

ک به‌عنوان خواننده‌ای شناخته‌شده در صدای مرحوم بسطامی چه رازی نهفته بود که این رنگ صدا را منحصربه‌فرد نشان می‌دهد؟
تمبر و رنگ صدای بسطامی منحصربه‌فرد و یونیک است. رنگ و حس صدای او و آتی که در صدای بسطامی جاری است در کمتر خواننده‌ای می‌توان سراغ گرفت. در تعریف و توصیف صدای بسطامی واژه را از واژه چندان مناسب و جامعی به نظر نمی‌رسد. بهتر است از تمبر و رنگ صدای بسطامی صحبت کنیم.

ک فکر می‌کنم اگر ما از اختلاف لفظی در توصیف ویژگی صدای او درگذریم و به جای فرم به محتوا نظر کنیم، شاید به وحدت نظری برسیم. جدا از اینکه چه لفظی را برای آن برمی‌گزینید، به نظر شما وجه تمایز این صدا با همگنان و هم‌عصرانش در چیست؟

همانطور که گفتم برخی صداها یونیک و منحصر به فرد و متفاوت از دیگر صداهاست. خوشبختانه صدای زنده‌یاد بسطامی صاحب رنگ‌آمیزی و احساس و ویژگی‌هایی بود که او را آگاهانه و خودآگاه و ناخودآگاه تبدیل به خواننده‌ای ویژه و صاحب امضا و هویت کرده است. به نظر من حتی اگر بسطامی آگاهانه هم می‌خواست شبیه دیگران یا استادانش بخواند، خوشبختانه این اتفاق میسر نمی‌شد. این از بخت والای بسطامی و آواز ایرانی بود. بسطامی آموزش‌های درسی استادانش را به طور بسیار محسوسی با غریزه کویری‌اش می‌آمیخت و با آفرینش خلاقیت‌های آتی و لحظه‌ای در صدایش، هر صاحب‌دلی را متوجه احساس عمیق و روانش می‌کرد.

ک رنگ و ذات صدا تا چه اندازه با درون هنرمند و محیط زندگی او می‌تواند ارتباط داشته باشد به طوری که مخاطب بسطامی در دشتستانی خوانی‌های او این بازتاب را در کنار یونیک‌بودن صدای او که از آن سخن می‌گویید احساس می‌کند؟

ذات و رنگ صدای بسطامی خوشبختانه شبیه صدای هیچ‌کس نبود. این از شانس‌هایی است که هر آوازخوانی از آن برخوردار نیست. اگر نخواهم خیلی احساساتی صحبت کنم صدای بسطامی بازتاب محیطی بود که در آن نشوونما کرده و کودکی‌اش را در آنجا گذرانده بود. همان طور که شما



امیر محمدی نوازنده ستور

وقت رفتنش نبود
وقت وداعش نبود
وقت اوج‌گرفتنش بود
وقت تنهارفتنش نبود

ایرج بسطامی، انسانی برجسته و فرهیخته بود با درونی عمیق وپرسوز و درد و دلی بزرگ و تنها. او در هنرش بسیار توانمند و دقیق بود. مادهم‌ها عادت به تعریف و تمجید بعد از مرگ داریم. ولی من در مورد آقای بسطامی هیچ‌وقت اینگونه نبودم و همه کسانی که می‌شناسندم به گفته‌هایم اشراف دارند.

ایرج با صداقت و بی‌آلایش زندگی می‌کرد و از همه انتظار داشت اینگونه باشند. شاید به‌جرات بتوان گفت رگ‌خوابش این بود که از در صداقت وارد شوی. ملاک او در ابتدا صداقت بود و بعد هنر. شاید به این دلیل که صداقت